

## دو فصلنامه پژوهشنامه حقوق عمومی عدالت

سال اول، شماره ۲، بهار و تابستان ۱۳۹۶

### بررسی نظریه اتحاد ملی و انسجام اسلامی با نگاهی به قانون اساسی

#### جمهوری اسلامی ایران

سید احسان رئیس الساداتی<sup>۱</sup>، خیرالله پروین<sup>۲</sup>، ولی رستمی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۶/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۱/۲۸

#### چکیده

اسلام جامعه بشری را مخاطب خویش می‌داند، بدون توجه به مرزهای سرزمینی و بدون تفاوت‌های نژادی، زبانی، ملی و فرهنگی از میان همه انسان‌ها سربازگیری می‌کند و نام امت واحده را بر پیروان خویش می‌نهد؛ لیکن اساس ناسیونالیسم و سکولاریزم بر اصالت دادن واحدهای «ملّی» و نژادی است. مخاطب آن‌ها کل بشریت نیست؛ اما از نظر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «همه مسلمانان یک امتند»، و «دفاع از حقوق همه مسلمانان» و «حمایت از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان» یکی از «معیارهای اسلام» است. به علاوه انسجام ضرورتی اجتناب ناپذیر برای بقا و تدوام حیات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و پیش‌نیاز رشد و توسعه جوامع است. به دلیل ضرورت بررسی کارکرد این اصول در قانون اساسی و تاکید رهبر انقلاب آیت‌الله خامنه‌ای بر این مسئله، این تحقیق با روش مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای به بررسی امکان رخداد وحدت ملی طبق اصول ۹، ۱۱، و ۱۶ قانون اساسی و انسجام اسلامی در قلمرو حاکمیت دولت جمهوری اسلامی و مسئله تقدم و تاخر اتحاد ملی و انسجام اسلامی پرداخته است.

**واژگان کلیدی:** اتحاد ملی، انسجام، قانون اساسی، امت، دارالاسلام

---

۱. نویسنده مسئول و دانشجوی دکتری حقوق عمومی ehsan.sadati@gmail.com

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

۳. عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

## ۱. مقدمه

انسجام نتیجه شرایط و اوضاعی است که نشان می‌دهد توافقی وسیع و قابل قبول نسبت به زندگی، چشم‌اندازها و نحوه مواجهه با مسائل سیاسی در جریان است. به بیانی دیگر، میزان انسجام اجتماعی در گرو سطح توافقات و هماهنگی‌هایی است که ساکنین یک جامعه با یکدیگر دارند. در این معنا، انسجام، ترجمان و انعکاسی از اعتماد تعمیم‌یافته، رضایت و خوش‌بینی و همچنین اشتراک در اهداف ارزش‌ها و منافع است. انسجام (به ویژه در جامعه و جهان امروز) پدیده‌ای طبیعی، تصادفی و اتفاقی نیست، بلکه نتیجه برنامه‌ریزی‌های عقلانی متکی بر دانش و حضور ارادی شهروندان است. انسجام با دستور و فرمان دادن از بالا و اطاعت و تبعیت از پایین خلق نخواهد شد. زیرا ماهیت انسجام و وفاق با دستور و فرمان ناسازگار است. انسجام در مجموع، کنشی مختارانه و معقولانه است (زمانیان، ۱۳۸۶، ص ۳۵۲-۳۵۳). انسجام مقوله‌ای اخلاقی نیست تا از طریق روش‌های اخلاقی پند و اندرز و توصیه‌های اخلاقی به دست آید و یا بتوان آن را تقویت نمود و در نهایت با خواش و تمنا و هشدار به دست نمی‌آید.

در قانون اساسی به‌عنوان تجلی این افکار و ایده‌ها- توجه ویژه‌ای به مقولاتی چون اتحاد و انسجام اسلامی شده است. به‌عنوان مثال اصل یازده قانون اساسی به اتحاد ملل اسلامی و وحدت جهان اسلام، اصل یکصد و پنجاه و دوم به دفاع از حقوق همه مسلمانان جهان اسلام و اصل سوم به تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان جهان اشاره می‌شود. مسأله انسجام میان اجزای متفرق و ایجاد کلیت‌های سازوار چه آنجا که موضوع به ابداعات انسانی ملهم از طبیعت همچون موسیقی و ترکیب رنگ‌ها مربوط می‌شده و چه آنجا که هدف ایجاد و حفظ اجتماعات انسانی در سطوح مختلف آن از خانواده تا امپراطوری‌های بزرگ را شامل می‌شده، همواره موضوع توجه، اندیشه‌ورزی و عمل انسان بوده است. انسجام ضرورتی اجتناب‌ناپذیر و مقدمه‌ای لازم برای بقا و تداوم حیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است که در حقیقت پیش‌نیاز رشد و توسعه و برقراری نظم اجتماعی است. انسجام، بیانگر آن است که اهالی یک جامعه به نحو کلی و در مراتب بنیادین، دارای وفاق در اهداف، ارزش‌ها و نگرش‌ها هستند. در بیان اهمیت و ضرورت این پژوهش باید گفت؛ با توجه به اندیشه

قرآنی «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ»<sup>۱</sup> و «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ»<sup>۲</sup>، نهادسازی و انسجام مبتنی بر این آیات از اهمیت بالایی برخوردار بوده و قانون اساسی به‌عنوان ضامنی برای نیل به این اهداف و آرمان‌ها می‌بایست به تشریح و تثبیت اصولی در این باب پرداخته و شیوه سلوک حقوقی را هموار نماید.

با توجه به اهمیت موضوع این مسئله همواره مورد تأکید مقام معظم رهبری بوده است به‌طوری که ایشان سالی را به این نام اختصاص دادند؛ لیکن متأسفانه با توجه به دغدغه رهبر معظم انقلاب، پژوهش قابل توجهی صورت نپذیرفته است. شاید در جستجوهای ژورنالیستی به مواردی برخوردیم باشیم که اهمیت علمی چندانی را نمی‌توان برای آن متصور بود، بنابراین پرداختن به موضوعاتی پیرامون این مسئله ضروری به‌نظر می‌رسد. بررسی نظریه اتحاد ملی و انسجام اسلامی در ایران با توجه به قانون اساسی است، که در این پژوهش بدان می‌پردازیم.

## ۲. پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش‌ها و تحقیقاتی پیرامون اتحاد ملی و انسجام اسلامی صورت گرفته که از آن جمله می‌توان به تحقیقات ذیل اشاره کرد:

نیک پناه، منصور، (۱۳۹۳) آسیب‌شناسی وحدت و انسجام اسلامی، همایش منطقه‌ای اتحاد و انسجام در آموزه‌های قرآنی، دانشگاه آزاد آستارا، در تحقیقی به بررسی آسیب‌هایی که اتحاد و انسجام اسلامی و ایرانی را تهدید می‌نماید پرداخته، وی بیان داشته این آسیب‌ها سال‌هاست ملل اسلامی را پیکره‌ای ضعیف و ناتوان کرده؛ در نهایت راهکارهایی که امت واحده را محقق می‌نماید، پیشنهاد کرده است.

اسعدی، علی، (۱۳۹۳)، موانع اتحاد و انسجام (دانشنامه موضوعی قرآن)، نشر مرکز فرهنگ و معارف قرآن، پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن، در تحقیقی با عنوان " موانع اتحاد و انسجام اسلامی " اشاره داشته است که بررسی عوامل اتحاد و آثار آن، موانع انسجام و علل آن، راهکارهای

۱- سوره انبیاء، آیه ۹۲

۲- سوره حجرات، آیه ۱۰

حفظ اتحاد و رفع موانع آن از جمله مباحث درخور توجهی است که اهمیت زیادی دارد. همچنین به بررسی گوشه‌ای از موانع اتحاد از منظر قرآن کریم و روایات معصومین (ع) می‌پردازد. جعفری، سید ابراهیم و کریمی، صدیقه، (۱۳۸۷)، تحقق وحدت و انسجام اسلامی در پرتو برنامه‌های درسی مدارس، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال هفتم، شماره پانزدهم، به بررسی وحدت و انسجام اسلامی در پرتو برنامه‌های درسی مدارس پرداخته و اینگونه عنوان شده که معلمان و سایر دست‌اندرکاران مدارس باید در حیطة شناخت، به پرورش ایمان و برخی توانایی‌های ذهنی، در حیطة عاطفی، به رشد فضایل اخلاقی و در حیطة مهارت، به کسب توانایی‌های عملی مورد نیاز برای تحقق این ایده بپردازند.

حال ذکر این نکته ضروری است که مقاله پیش‌رو در مقایسه با تحقیقات دیگران از نوآوری‌هایی برخوردار است؛ زیرا در تحقیق حاضر به بررسی این نکات می‌پردازد که آیا می‌توان در عین داشتن وحدت ملی<sup>۱</sup> به یک انسجام اسلامی در قلمرو حاکمیت دولت جمهوری اسلامی رسید؟ همچنین تقدم و تأخر “اتحاد ملی” و “انسجام اسلامی”، مقدمات و لوازم تحقق آنها و اینکه آیا این مقدمات و لوازم به درستی در قانون اساسی قرار گرفته است یا خیر؛ می‌پردازد. این نوآوری در هیچ کدام از تحقیقات صورت گرفته وجود نداشته است.

### ۳. بررسی مفاهیم تحقیق

#### ۳-۱. اتحاد ملی

“وحدت” در لغت به معنای یکی شدن است (لغت نامه دهخدا). و وحدت با توحید، وحدانیت و اتحاد هم‌ریشه و دارای قرابت معنایی است. از این منظر وحدت با اتحاد توافق و هماهنگی نیز هم‌معنا است. اساساً وحدت ملی برای کشورها، سرمایه اجتماعی و راهبردی محسوب می‌شود و رهبران کشورها می‌توانند با اتکال به آن دستیابی به اهداف کلان مملکتی خود را تسهیل نمایند. اتحاد ملی مفهومی است که در دهه اخیر بیش از دیگر مفاهیم در میان سیاستمداران و مدیران مورد استفاده قرار گرفته است. این مفهوم نزدیک با مفاهیمی چون همبستگی ملی و تعاون اجتماعی - که از طرف جامعه‌شناسان

---

۱- اصول ۹، ۱۱، ۲۶ ق.ا.

مطرح شده- و وحدت ملی و وحدت اسلامی- که به وسیله رهبران دینی، روشنفکران، سیاستمداران و مدیران که در حوزه سیاسی و فکری و مطبوعاتی مطرح شده- مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. نشانه‌ها و یا شاخص‌های همبستگی ملی را در سه مورد می‌توان از هم باز شناخت. اولین شاخص حذف خشونت در تعاملات میان اعضای ملت است. شاخص دوم سازش بر سر اختلافات می‌باشد و نهایتاً آخرین شاخص را می‌توان گسترش همکاری‌ها معرفی کرد. (دوورژ، ۱۳۶۹، صص ۴۲۳-۳۵۷)

همچنین وحدت ملی را می‌توان اشتراک همه افراد یک ملت در آمال و مقاصد خویش دانست. به‌گونه‌ای که به منزله مجموعه واحدی به‌شمار آیند. در ادبیات سیاسی ملت، اجتماعی از مردم است که دارای سرزمین مشخص، حکومت و یک حاکمیت به‌عنوان قدرت عالی می‌باشند که ضمن هویت بخشی به عناصر داخلی، متمایز کننده اجتماعات دیگر از داخل نیز می‌باشد. بنابر آنچه از معنای وحدت ملی برمی‌آید وحدت ملی به معنای اتحاد و توافق میان اجزای تشکیل‌دهنده یک نظام سیاسی می‌باشد؛ زیرا عناصر تشکیل‌دهنده ملت (سرزمین، مردم، حکومت و حاکمیت) در نهایت به وجود آورنده یک سیستم یا نظام سیاسی می‌باشند. اندیشمندان علوم سیاسی وحدت ملی را از ارکان قدرت سیاسی دانسته‌اند که از چگونگی واکنش مردم در دفاع از منافع عمومی و مصالح کشور حکایت می‌کند. از این منظر وحدت ملی فرآیندی است که موجبات استحکام یک نظام سیاسی و اجتماعی را فراهم می‌کند. فرهنگ مشترک، مرز مشخص حاکمیت واحد، قومیت، دین، مذهب و... نیز عناصری هستند که بنیان وحدت یا وفاق ملی را پی‌ریزی می‌کنند. (صالحی امیری، ۱۳۸۶، ص ۱۰۲)

### ۲-۳. عوامل موثر بر اتحاد اجتماعی کنونی

پیدایش تحولات علمی، تکنولوژیک و تغییر در نوع نگرش به انسان، هستی، طبیعت و جهان، تحولات شگرفی در همه حوزه‌ها انجامید. که از این میان پیدایش ایدئولوژی‌های ناسیونالیستی پدیده جهانی شدن به‌عنوان محصول این تغییر و یکی از عوامل اثرگذار بر حیات اجتماعی و سیاسی انسان بیش از دیگر عوامل شایسته توجه است. این اثرگذاری آن‌چنان عمیق، پدیده و گسترده است که از آن به‌مثابه نقطه عطفی مهم در تحولات سیاسی و اجتماعی جهان امروز می‌توان یاد کرد. یکی از ابعاد مهم این پدیده‌ها مطرح شدن موضوع انسجام و همبستگی است. حجم ادبیات تولید شده در این

موضوع و اقداماتی که در این حوزه صورت گرفته، خود بیش از هر چیز دلیل اهمیت موضوع است. (صالیحی امیری، ۱۳۸۷، ص ۷)

ایده‌های ناسیونالیستی تقابل‌ها و تعارضات جدیدی را به تقابل‌ها و تعارضات قبلی جوامع افزود و در بسیاری موارد تعارضات قبلی را به زبان خود ترجمه کرد و بر عمق و دامنه آنها افزود. بسیاری از منازعات در بسیاری موارد از جمله جنگ‌ها و منازعات بزرگ و پر دامنه جهان کنونی ریشه در ایده‌های ناسیونالیستی دارد. لاقلاً دو جنگ بزرگ جهانی و جنگ‌های منطقه‌ای و استقلال طلبانه کشورها بعد از جنگ دوم جهانی، بر مدار ارزش‌ها و گرایش‌های ناسیونالیستی چرخیده و شکل گرفته است. ناسیونالیسم مدل‌های نوینی از سیاست را بر محور دولت‌های ملی به جای امپراطوری‌های بزرگ گذشته بنیان گذاشته است. گرچه تأسیس این نوع از دولت‌های ناسیونالیستی بود. اما گسترش این ایده‌ها در موج دوم آن هویت و کلیت همین دولت‌ها را نیز به چالش کشید. بسیاری از کشورهای بزرگ که درگیر مبارزات استقلال طلبانه بودند، پس از پیروزی به منازعات تجزیه طلبانه کشیده شدند. حتی کشورهایی که خود پایگاه اولیه و اصلی و در واقع مادر این نوع از تحول بودند خود گرفتار عوارض این پدیده شدند. بی‌جهت نیست که با شدت گرفتن این ایده‌ها بار دیگر ایده تأسیس و حفظ کلیت‌های بزرگ چه در سطوح دولت‌های ملی و چه در سطح میان دولت‌ها، مطرح شده است. اندیشه ایجاد یک حکومت جهانی با محرومیت سازمان ملل متحد و با ایجاد اتحادیه‌های منطقه‌ای از جمله تلاش‌هایی است که از آن می‌توان به گرایش به ایجاد کلیت‌های بزرگ‌تر همچون کلیت‌ها و موجودیت‌های بزرگ قبل از پیدایش ایده‌های ناسیونالیستی یاد کرد.

جهانی شدن نیز پدیده اثرگذار دیگری است که انقلاب ارتباطات و انفجار در اطلاعات و فشرده شدن زمان و مکان، جابه‌جایی‌ها و مهاجرت‌های زیاد میان قاره‌ای تا درون کشوری و دسترسی به تکنولوژی‌های نوین و برخورداری از رفاه نسبی میدان را برای ظهور و بروز هویت‌ها در سطوح مختلف و با تنوع بسیار زیاد آماده کرده است. گرایش‌های قومی در سویه داخلی و هویت‌های جهانی بر محور ایدئولوژی‌های مذهبی و غیرمذهبی در سویه فراملی، فشارهای متنوعی را در برداشت و ارتقاء سطح همبستگی و انسجام هویتی دولت‌های ملی وارد آورده است. مجموعه این شرایط موضوع انسجام را در ابعاد مختلف آن بار دیگر در کانون توجه قرار داده است. (همان، ص ۹)

مسیر حرکت تحولات جهانی نشان می‌دهد که منطقه خاورمیانه بیش از دیگر نقاط جهان از جهات گوناگون کانون این فشارها است و در این میان وضعیت ما وضعیتی ویژه و خاص است. خطیر بودن موضوع تا آن اندازه است که مقام معظم رهبری سال ۱۳۸۶ را سال “اتحاد ملی و انسجام اسلامی” نام‌گذاری کردند و نیز بعد از آن در آغازین سخنرانی عمومی، ایشان ضمن بسط و شرح ابعاد شعار سال ۱۳۸۷ یعنی “نوآوری و شکوفایی” بار دیگر بر موضوع اتحاد و انسجام و اهمیت آن تأکید کردند.

### ۳-۳. انسجام اسلامی

از دیدگاه فقه اسلامی، نه‌تنها دولت اسلامی، دولتی دینی است، بلکه تقسیم سیاسی جهان نیز بر مبنای دین انجام شده و بر اساس آن نوع رابطه دولت اسلامی با سایر دولت‌ها معلوم می‌گردد. در این تقسیم جهان به دو قلمرو بزرگ و اساسی تقسیم می‌گردد: دارالاسلام و دارالکفر.

دارالاسلام، کشور و سرزمین امت اسلامی و آن قسمت از جهان است که در قلمرو اسلام بوده و زندگی در آن تحت نفوذ احکام اسلامی می‌باشد. امروزه بهترین معادل برای این اصطلاح، واژه‌ی جهان اسلام یا کشور اسلامی است. فقها در تعریف دارالاسلام، نظرات مختلفی ابراز داشته‌اند که در این‌جا لازم است بدان‌ها بپردازیم؛

شهید اول، دارالاسلام را چنین معرفی می‌کند: “المراد بدار الاسلام ما ینفذ فیہ حکم الاسلام فلا یکون بها کافرٌ الا معاهداً” محدوده جغرافیایی جهان اسلام تا جایی است که در آن احکام اسلام نافذ باشد و کافری نباشد، مگر اینکه پیمان بسته باشد. در این تعریف، شهید اول فقط نافذ بودن احکام اسلامی را مطرح کرده است و اشاره‌ای به اینکه جمعیت مسلمانان تا چه حدی باشد، نشده است. همچنین نسبت به اینکه مسلمانان حکومت داشته باشند، مطلبی نفرموده؛ مگر اینکه بگوییم لازمه نافذ بودن احکام اسلامی این است که حاکمیت هم از آن مسلمانان باشد. “فلا یکون بها کافر الا معاهداً” این معنا را متبادر می‌کند. (شهید اول، ۱۴۱۲، ص ۷۸) دیدگاه ایت‌ا... بروجرودی و ایت‌ا... مصباح یزدی؛ در این دیدگاه، دارالاسلام محدوده جغرافیایی حکومت اسلامی است. برداشتی که آیت‌الله بروجرودی از روایت اسحاق بن عمار داشته این است که مراد از عبارت “اذا کان الغالب علیها المسلمین” غلبه و حکومت و تسلط مسلمانان است. پس محدوده جغرافیایی جهان اسلام سرزمین‌هایی است که زیر سیطره حکومت اسلامی است. (ارجینی، ۷۱۳۸۲، ص ۷) از نظر آیت‌الله مصباح هم “دارالاسلام”

عبارت است از: سرزمین یا سرزمین‌هایی که امت اسلامی در آنجا زندگی می‌کنند و غیرمسلمانان نیز با شرایط خاصی می‌توانند در سایه حکومت اسلامی زندگی امن و مسالمت‌آمیزی داشته باشند؛ مرزهای طبیعی یا قراردادی این سرزمین‌ها «دارالاسلام» محسوب می‌شود. (مصباح یزدی، ۱۳۷۵، ص ۸۵)

#### ۴. دیدگاه امام خمینی (ره) در مورد سیاست ایران اسلامی

امام خمینی قدس سره در وصیت‌نامه خود هشدار داده‌اند که رابطه با هر کشوری که خوف سلطه آن وجود داشته باشد باید قطع شود. در این جمله دو نکته وجود دارد: یکی اینکه قطع رابطه الزاماً به معنی شروع جنگ نیست؛ دیگر اینکه حداقل نیمی از این خوف مربوط به توان کشور ایران است. چنانچه کشور با مدیریتی ضعیف، مدیرانی ناصالح و ضعیف‌النفس با دانشی اندک اداره شود نه تنها این خوف از جانب آمریکا و انگلیس می‌رود، بلکه شیخ‌نشین شارجه هم می‌تواند در کار آن اخلال و اعمال نفوذ نماید. اما اگر کشور به دست مدیرانی خبیر و مسوولانی دلسوز و دستگاه اداری کار آمدی اداره شود، چه بسا از ایجاد رابطه با دولت‌های قدرتمند هم خوفی در کار نباشد. در عین حال، بینش امام خمینی از ساختار نظام بین‌المللی، بینشی واقع‌بینانه و واقف به نیرنگ‌های قدرت‌های بزرگ بود. تعریف ایشان از نظام بین‌الملل این است: «امروزه مستکبرین عالم که در رأس آنها آمریکا قرار دارد لحظه‌ای از ستیز و سلطه‌گری بر ملل مستضعف جهان دست برنمی‌دارند و ملت‌های ضعیف برای آنها حکم خروسی دارند که هم در عزا و هم در عروسی ذبح می‌شوند. در چنین وضعی کشورهای اسلامی تماماً جزو کشورهایی هستند که قدرت‌های استکباری سلطه بر آنها را در برنامه کار خود قرار داده‌اند. قسمتی از جهان غیراسلامی نیز در چنین وضعیتی قرار دارد. در این وضع، نه تنها ملل مسلمان وظیفه دارند با هم متحد باشند، بلکه لازم است که کشورهای اسلامی و غیر مسلمانان تحت سلطه نیز با هم متحد شوند و جبهه جهانی مستضعفین را برای مبارزه با مستکبرین به وجود آورند (موسوی خمینی، ۱۳۶۵، ج ۱۲، ص ۱۳۶). شاگردان امام، چون آیت الله خامنه‌ای رهنمودهای ایشان را در زمینه ی سیاست خارجی به صورت زیر جمع بندی نموده‌اند. کشورهای اسلامی به لحاظ رژیم‌های سیاسی به سه دسته تقسیم می‌شوند.

نخست، کشورهای اسلامی که دارای نظامی مستقل هستند و براساس موازین و اصول اسلامی اداره می‌شوند و رابطه ایران با آنها برادرانه و در جهت ایجاد وحدت بوده است. دوم، کشورهایی که



براساس موازین اسلامی اداره نمی‌شوند، ولی حکومت آن‌ها مورد قبول مردم است. روابط ایران با این کشورها حسنه است و ایران همواره خواهان گسترش این روابط است. سوم، حکومت‌هایی که پایگاه مردمی ندارند و وابسته به خارجند. ایران در صورت وجود نهضت‌های اسلامی در آنها به تقویت این نهضت‌ها می‌پردازد و به کمک مردم می‌شتابد و از هیچ تلاشی در جهت رهاسازی این کشورهای اسلامی از سلطه بیگانگان فروگذاری نمی‌کند. بنابراین، می‌توان چنین نتیجه گرفت که سیاست کشورهای اسلامی در جهان تقسیم شده بین اسلام و کفر، باید مبتنی بر تطبیق اصول اسلامی با واقعیات کنونی باشد<sup>۱</sup>.

#### ۱-۴. نظریه انترناسیونالیسم اسلامی

یکی از تفاوت‌های اساسی نظام سیاسی اسلام با مکاتب سیاسی و حقوقی معاصر در مرزبندی موجود میان «ملت» و «امت» است. اسلام از آن جهت که دینی جاودانی و جهان شمول است و جامعه بشری را مخاطب خویش می‌داند، بدون توجه به مرزهای سرزمینی و تفاوت‌های نژادی، زبانی، ملی و فرهنگی از میان همه انسانها سربازگیری می‌کند و نام امت واحده را بر پیروان خویش می‌نهد. این مفهوم به کلی با مفهوم شهروندی که افراد را به دولت حاکم در یک سرزمین معین مرتبط می‌سازد متفاوت است. هر کس کمترین اطلاعی از مفاد آیات قرآنی داشته باشد تردیدی در جهان شمولی اسلام پیدا نخواهد کرد. از جمله ایه شریفه «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ»<sup>۲</sup> که خداوند کریم می‌فرماید: «بی‌تردید این امت شما امت واحده است و من پروردگار شما هستم، پس مرا پرستش کنید». پس می‌توان گفت اساس این وحدت را قرآن نهاده است. قرآن مجید بارها مسلمانان را به‌عنوان یک امت مخاطب ساخته است. دین اسلام در موارد زیادی، اخوت ایمانی را به‌عنوان علت و انگیزه‌ای بر وحدت و اتحاد معرفی نموده و براساس آن به همکاری و یاری‌رساندن به مؤمنان سفارش می‌نماید. قرآن مجید می‌فرماید: «مؤمنان با هم برادرند پس بین برادران خود صلح برقرار سازید».

از سوی دیگر چون سخن گفتن از وحدت، همواره توأم با یاد کردن از اختلاف است، در قرآن مجید نیز در آیات متعددی، این دو مفهوم؛ یعنی وحدت و اختلاف با هم آمده و مسلمین همواره از

۱. (فراتی، عبدالوهاب، طرح یک نظریه اسلامی در روابط بین الملل،

http://rasekhoon.net/article/print-2232.aspx و کتاب رهیافتی بر علم و سیاست و جنبش‌های اسلامی معاصر)

اختلاف و تفرقه منع و نهی شده‌اند. مانند آیه «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»: «همگی به رشته دین خدا چنگ زده و به راه‌های متفرق نروید» و نیز آیاتی مانند «وَأَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا»<sup>۱</sup>: «دین را به پای دارید و متفرق نشوید» و آیه «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مَنْ بَعْدَ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ عَذَابٌ عَظِيمٌ»<sup>۲</sup> که در آن خداوند مسلمانان را از اینکه همانند ملت‌هایی باشند که پس از آمدن آیات و ادله و بیانات، راه تفرقه و اختلاف پیمودند، نهی می‌کند و آنان را به عذابی سخت نهیب می‌زند و باز آیه «وَاطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ»<sup>۳</sup> که ضمن دعوت مسلمین به وحدت و اتحاد در برابر دشمن و پیروی از فرمان خدا و رسول صلی الله علیه و آله و نهی آنها از تفرقه و تنازع، نتیجه و عاقبت تنازع و تفرقه را «فَشَلَّ»؛ یعنی سست و ضعیف شدن و نابودی و از دست رفتن قدرت معرفی می‌کند. در همین راستا آیه ۱۵۹ سوره انعام هم راه کسانی را که تفرقه ایجاد می‌کنند، از راه پیامبر جدا دانسته و پیامبر را مسؤول سعادت و شقاوت آنها نمی‌داند. وحدت اسلامی یکی از مهم‌ترین ضرورت‌های تاریخی، اجتماعی و سیاسی مسلمانان در جت ایستادگی و پویایی و هویت امت اسلامی و از مهم‌ترین عوامل عزت و پیروزی آنها در همه صحنه‌هاست، و در مقابل، تفرقه و تشتت جز ذلت و پراکندگی و به هدر رفتن نیروهای فکری و سرمایه‌های انسانی امت اسلامی ثمری نخواهد داشت. دعوت به وحدت و یگانگی مسلمانان، و پرهیز از تفرقه، از دستورات قرآن و سیره نبی اکرم (ص) و اولیای دین است.

مخاطب اسلام تمام انسانها می‌باشند و اسلام کل بشریت را یک «واحد» تلقی می‌کند. هدف نهایی اسلام نیز استقرار «جامعه جهانی توحید است» (نقوی، ۱۳۶۴، ص ۱۰۱) که شهید مطهری از آن به‌عنوان انترناسیونالیسم اسلامی یاد می‌کند (مطهری، ۱۳۸۵، ص ۶۸) شهید مطهری در نوشتاری با عنوان «روابط بین الملل اسلامی» بیان می‌کند که مسلمانان عضو یک پیکرند و مسلمانان و غیر مسلمانان عضو دو پیکر جدا هستند. البته به‌نظر ایشان مقصود این نیست که مسلمانان با غیرمسلمانان بدی کنند، بلکه وقتی آنها نسبت به جامعه اسلامی خطری ندارند نباید به آنها بدی کرد، ولی همیشه خطر آنها را باید در نظر داشت. (مطهری، ۱۳۷۷، ص ۵۴۸)

۱- شوری / ۱۳

۲- آل عمران/ ۱۰۵

۳- انفال / ۴۶

## ۲-۴. نظریه ام‌القری

طرح نظریه ام‌القری نقطه عطفی در فرآیند اصلاح نگرش در حوزه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از ایده آلیسم به رئالیسم محسوب می‌گردد. این نظریه توسط معاون وزیر امور خارجه وقت در اواخر دهه ۶۰ مطرح گردید که خاستگاه اصلی آن مکتب واقع‌گرایی بود؛ بنابراین تأکید آن بر ضروریات نیازها، مشکلات و معضلات داخلی سیستم بوده، هدف آن نیز برطرف ساختن این معضلات بود. این نظریه از دو ستون اصلی تشکیل شده است. ما قصد داریم کشورمان را براساس یک نظام و نظر اسلامی بسازیم تا کشور پیشرفته و آبادی داشته باشیم. خواسته دیگر نیز این است که ما به هیچ عنوان نمی‌خواهیم حیثیت اسلامی خود را فراموش کنیم. ما بخشی از جهان اسلام هستیم و جهان اسلام نیز محدوده جغرافیایی خاصی ندارد. ام‌القرآ باید امت را حفاظت و حمایت کند و به فریاد آن رسیده، سعی کند از ظلم قدرت‌ها جلوگیری کند و در مقابل حقوقی دارد که همان وظیفه‌ی امت نسبت به ام‌القرآ است که اگر ام‌القرآ مورد هجوم و حمله‌ی دشمنان اسلام و معارضین ام‌القرآ قرار گرفت، با تمام توان و هستی خود، به یاری ام‌القرآ بشتابد. (لاریجانی، محمدجواد، صص ۵۲-۵۳)

## ۵. نقش دین و فرهنگ در اتحاد و انسجام اسلامی

به گواه تاریخ اجتماع ایرانی همواره دین‌دار بوده است و با وجود ادیان رسمی، همواره معتقدان و مؤمنان به ادیان و مذاهب دیگر با مسالمت در کنار مؤمنان به مذاهب رسمی به حیات خود ادامه داده‌اند. وجود ادیان و مذاهب رسمی در کنار عناصر دیگری چون زبان رسمی، فرهنگ مشترک، احترام و جایگاهی که مذهب و ادیان رسمی برای پیروان و معتقدان مذاهب دیگر به‌ویژه ادیان الهی قائل بوده‌اند، مذهب را در ایران به‌عنوان عنصری وحدت بخش مطرح کرده است، به‌نحوی که امروزه، حیات سیاسی و اجتماعی مردم تقریباً با آموزه‌ها، مفاهیم، قواعد و مقررات دینی آمیخته است و جهان‌بینی‌های الحادی علی‌رغم قدرت عینی و توشه و توان تئوریک خود نتوانسته‌اند اساس معتقدات الهی مردم را خدشه‌دار سازند و اعتقاد به وحدانیت همچون زنجیره‌ای پیروان و معتقدان با ادیان ابراهیمی را در ایران با مسلمانان و شیعیان مرتبط ساخته است.

فرهنگ ایرانی نیز به‌دلیل ویژگی‌های خاص آن قابلیت هم‌سازی با تغییرات و تحولات بین‌المللی را در عین حفظ ساختارها و عناصر بنیادین دارا بوده است. فرهنگ ایرانی که بخشی از عناصر

هویت‌بخش اجتماع ایرانی و نظم دهنده به الگوهای رفتاری و چگونگی نگرش به هستی و حیات است با مذهب شیعه و آموزه‌های آن به شدت آمیخته است همواره عنصری وحدت بخش بوده است. در اجتماع ایران علی‌رغم الگوهای رفتاری، آداب و سنن خرده فرهنگ‌های قومی و محلی فرهنگ کلی‌تر و عام‌تری که در درون خود این تنوع را جای داده و در عین حال ساختارهای نسبتاً واحدی پدید آورده، قابل مشاهده است. این ساختارها نوعی هم‌شکلی و اشتراک در رفتارها و معتقدات را در اجتماع ایرانی پدید آورده است.

### ۶. تاکید مقام معظم رهبری بر وحدت ملی و انسجام اسلامی

مقام معظم رهبری یکی از الزامات بسیار مهم را برای ادامه حرکت عمیق امت اسلامی به سمت پیروزی، اتحاد و انسجام اسلامی می‌دانند و می‌فرمایند: در شرایطی که دنیای استکبار سعی در تخریب چهره مسلمانان دارد و بیداری اسلامی در میان شیعه و سنی را برای خود خطر می‌داند و آن را چه با نام حماس و چه با نام حزب الله لبنان آماج حمله قرار می‌دهد، آیا عاقلانه است که مسلمانان درگیر نزاع قومی و مذهبی شوند و دشمن مشترک خود را فراموش کنند؟ ایشان، اتحاد دنیای اسلام را به نفع ملت‌های مسلمان و همچنین به سود دولت‌های اسلامی دانستند و تأکید می‌کنند که دولت‌های اسلامی باید به یکدیگر نزدیکتر شوند و اگر به ملت‌ها و قدرت و توانایی‌های خود متکی باشند بسیار قوی‌تر خواهند بود تا اینکه بخواهند به سیاستمداران آمریکایی اتکا کنند. (بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۸۶/۱/۱۷)

### ۷. ظرفیت‌های قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اتحاد و همبستگی ملی

اتحاد ملی بیشتر جنبه داخلی دارد و در چارچوب مرزهای ملی معنا می‌یابد و این بدین معناست که بین مردم با یکدیگر و نظام سیاسی از سوی دیگر انسجام و همبستگی وجود داشته باشد و این اتحاد و همبستگی طوری باشد که اگر بین مردم در داخل از یک سو و مردم و نظام از سوی دیگر شکاف ایجاد شود، نقطه آغازین این امر را باید در درک و فهم مشترک مسایل جستجو کرد. تا درک مشترکی از داشته‌ها و ویژگی‌های اعضای جامعه (اعم از افراد، جمعیت‌ها، گروه‌ها و...) بین آنها شکل نگیرد

نمی‌توان در مورد سایر ویژگی‌ها بحث کرد. قانون اساسی حاوی این امتیاز است که ارزش‌ها، آرمان‌ها<sup>۲</sup> و نهادهای اساسی یک ملت را به صورت مشخص، یکجا و مرتبط معرفی می‌کند و چنانچه این مجموعه در یک فرآیند مناسب و متناسب از عقل و اراده جمعی عبور کرده باشد، بخش مهمی از مبنای همبستگی و اتحاد شکل گرفته است. این نتیجه در صورتی که اراده جمعی به صورت مستقیم اعمال گردد، مؤثرتر خواهد بود.

### ۱-۷. مشارکت<sup>۳</sup>

از نظر قانون اساسی، حاکمیت از آن خداست ولی او انسان را حاکم بر سرنوشت خود قرار داده است و این امر یک حق و تکلیف برای او به حساب می‌آید. لذا دخالت<sup>۴</sup> و مشارکت او در تمام سطوح ضروری است.<sup>۵</sup> چنین نظریه‌ای مبنای جمهوریت در قانون اساسی را شکل می‌دهد. به تبع این قاعده، در اصول متعدد بر اتکای امور و تصمیمات کشور به آرای عمومی تأکید شده است.<sup>۶</sup>

### ۲-۷. هویت مشترک

ایران از جمله کشورهایی است که از نظر قومیت، زبان و خرده فرهنگ‌ها دارای تنوع قابل توجهی است؛ اما برخلاف بسیاری از کشورهای جدید که فرآیند ملت-دولت‌سازی را در چند دهه اخیر طی کرده‌اند ایران در طول چند قرن، هم‌نشینی مسالمت‌آمیز تنوع‌ها را تجربه کرده است. به عبارت دیگر قبل شکل‌گیری دولت-ملت به معنای مدرن آن، توافق تنوع‌های فرهنگی و اجتماعی، جامعه ایرانی را تشکیل داده بود؛ لذا نوع تعارضات قومی، یا زبانی در کشور ما با بسیاری از کشورهای دیگر متفاوت است.

---

1 -Values

2 -Ideals / Goals

3 Participation

4 interposition in fate

۵- اصل ۵۶ ق.ا

۶- اصل ۶ ق.ا

قانون اساسی در ارایه هویت مشترک ملت ایران، تلاش نموده است به جمع عناصر هویتی در قالب هویت‌های متکثر در ضمن هویت مشترک اقدام نماید. در کنار پذیرش خرده فرهنگ‌ها و هویت‌ها، زبان رسمی، مذهب رسمی، پرچم رسمی، تاریخ رسمی را نیز معرفی کرده است.

اصول ۱۵، ۱۹ و ۴۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به حقوق اقلیت‌ها در ایران و در راستای اتحاد و انسجام ملی می‌باشد. دولتمردان و مقامات سیاسی جمهوری اسلامی ایران نیز همواره در سیاست‌های اعلانی خود بر لزوم و تأمین حقوق اقلیت‌های قومی و مذهبی در کشور تأکید داشته‌اند (امیرانتخابی، ۱۳۸۶، ص ۳۰۶). بنابراین تصمیمات و سیاست‌ها باید در جهت شفاف کردن و توسعه چنین قالبی برای هویت ملی باشد و افراط و تفریط در جانب هویت‌های متکثر یا هویت مشترک، با هنجار قانون اساسی تطبیق نمی‌کند. تحلیل و استناددهی علمی لازم است.

### ۳-۷. حقوق و تکالیف مشترک؛ شهروندی<sup>۱</sup>

برابری و عدم تبعیض<sup>۲</sup>، یکی از ویژگی‌های حکومت قانون<sup>۳</sup>، تلقی می‌شود در حکومت قانون، همه اعضای جامعه در برابر قانون از حقوق و تکالیف یکسان برخوردار می‌باشند و تبعیض ناروا<sup>۴</sup> وجود ندارد. از منظر دیگر معیار اعطای حقوق یا مطالبه تکالیف، عنوان شهروندی است. هر عضو که بتواند رابطه شهروندی را با دولت ایجاد کند از کلیه حقوق (در برابر تکالیف) برخوردار می‌گردد. (ره پیک، ۱۳۸۶، ص ۱۵۰). حکومت قانون در قانون اساسی مورد تأکید است و عالی‌ترین مقام کشور نیز از هیچ مصونیتی در مقابل قوانین برخوردار نشده است که مصداق بارز آن اصل یکصد و هفتم قانون اساسی است: “رهبر در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی است.”<sup>۵</sup>

### ۴-۷. توزیع مشترک و عادلانه

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در چهارچوب کارکردهای قواعد و هنجارهای حقوقی، به منابع و مبادی ایجاد و گسترش اتحاد و همبستگی ملی توجه کرده است. اصول و گزاره‌های

---

1 Citizenship  
2 Non-Discrimination  
3 Rule of Law  
4 Unlawful

گوناگونی در قانون اساسی به این امر ارتباط پیدا نموده است. از این رو قواعد حقوقی به ویژه قوانین اساسی کشورها می‌توانند نقش مهمی در تولید اتحاد و همبستگی ملی ایفا کنند مشروط بر اینکه شرایط و ضوابط ایجاد قاعده حقوقی مورد توجه مدیریت سیاسی - اجتماعی قرار گرفته باشد (همان، ص ۱۵۲). عدالت اقتصادی و اجتماعی، نابودی فقر و توزیع عادلانه ثروت و ایجاد تعادل در مناطق مختلف از ارزش‌ها و آرمان‌های مهم قانون اساسی است.<sup>۱</sup> اصل ۴۳ قانون اساسی نیز در بندهای مختلف از جمله بند ۱، ۳، ۶، ۸ بر همین امر تأکید دارد. در ابتدای این اصل آمده: «برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران...» در این الگو، ظرفیت‌های متعددی برای تحقق و ارتقای همبستگی و اتحاد ملی از طریق عناوین چهارگانه مذکور پیش‌بینی شده است که به فعلیت رساندن این ظرفیت‌ها تا حد قابل توجهی به انتخاب هیات مدیران و سیاستگذاران ارتباط دارد؛ بنابراین لازم است:

۱- در فرآیندهای جامعه‌پذیری، هنجار رسمی قانون اساسی در سطوح گوناگون به قصد ایجاد فهم و درک مشترک، تبیین شود. فاصله‌ی بین ظرفیت‌های قانونی و انتظارات از یک سو و انتظارات و واقعیات از سوی دیگر کاهش یابد.

الگوی قانون اساسی در منابع چهارگانه فوق دستور کار برنامه‌ریزی و توسعه قرار گیرد و از اعمال سلیقه‌ها و تفاسیر غیرمنطقی از اصول و چهارچوب‌های قانونی اجتناب شود. (همان، ص ۱۵۳)

## ۸. رابطه منافع ملی با منافع امت در قانون اساسی

در خصوص رابطه بین منافع امت و ملت، به شکل مشخص می‌توان این مبحث را در قالب سه سوال مطرح کرد: اول اینکه از نظر مبانی دینی اصالت اخوت و برادری دینی بر قوم و قبیله ترجیح دارد. (...)

إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ (...)<sup>۲</sup>

۱- بند ۹ اصل سوم ق.ا.

۲- سوره حجرات، آیه ۱۳

با توجه به اصالت «امت» در فرهنگ دین اسلام، به هنگام تزاخم یا تعارض میان منافع امت و ملت، علی‌القاعده تردیدی در تقدم منافع امت وجود نخواهد داشت، چرا که اساساً تفاوت نظام اسلامی با نظام غیر اسلامی در همین امر آشکار می‌شود. از یک نگاه دیگر می‌توان گفت به‌دلیل تشکیل حکومت اسلامی در قالب جمهوری اسلامی در ایران، تعارضی میان منافع امت و ملت به وجود نمی‌آید؛ مگر در حالت استثنایی که تقدم منافع امت اسلام و چشم‌پوشی از منافع ملت، موجب تزلزل در ارکان حاکمیت و اساس نظام اسلامی شود.

از نظر قانون اساسی و موازین حقوقی کنونی به دو دلیل می‌توان منافع امت اسلامی را بر منافع ملت ارجحیت داد: اول اینکه روح حاکم بر قانون اساسی جمهوری اسلامی بر این برتری دلالت دارد. دوم اینکه اصل ۴ قانون اساسی به‌عنوان یک اصل بنیادین در قانون اساسی و حاکمیت این اصل بر سایر اصول قانون اساسی بر این امر دلالت دارد. توضیح اینکه تعارض یا تزاخم بین منافع ملت و امت، فرع بر تعارض کلی‌تری است که آن تعارض میان منافع ملی و موازین شرعی شکل می‌گیرد مانند حمایت از سوریه یا حتی اجرای حدود الهی؛ در این موارد، اصل ۴ تکلیف را مشخص کرده است که ترجیح با موازین شرعی است که عبارت از همان منافع امت باشد.

حال سوالی مطرح می‌شود که آیا می‌توان ملت را به‌گونه‌ای تعریف کرد که منافع اسلام در آن پیش‌بینی شده باشد؟ آری. هویت ملی ما ایرانیان، به‌کلی از باورها و دین‌مان جدا نیست، بلکه رکنی مهم از هویت ملی ما را دین‌مان تشکیل می‌دهد؛ بنابراین اساساً تعارضی میان امت و ملت در تعاریف و مفاهیم پیش‌نخواهد آمد. نکته اصلی اینجاست که در قانون اساسی حدود و ثغور اتحاد و شرایط و ویژگی‌های آن به درستی بیان نشده است.

## ۹. نتیجه‌گیری

وحدت ملی در جمهوری اسلامی ایران مقدمه‌ایست برای انسجام اسلامی با دیگر ملل و مذاهب. مسیر حرکت تحولات جهانی نشان می‌دهد که منطقه خاورمیانه بیش از دیگر نقاط جهان از جهات گوناگون کانون این فشارها است و در این میان وضعیت کشور ما وضعیتی ویژه و خاص است. خطیر بودن موضوع تا آن اندازه است که مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) سالی را به نام «اتحاد ملی و انسجام



اسلامی” نام‌گذاری کردند. نه تنها دولت اسلامی، دولتی دینی است، بلکه تقسیم سیاسی جهان نیز بر مبنای دین انجام شده و براساس آن نوع رابطه دولت اسلامی با سایر دولت‌ها معلوم می‌گردد.

تاکید نظریه ام‌القری بر ضروریات نیازها، مشکلات و معضلات داخلی سیستم بوده، هدف آن نیز برطرف ساختن این معضلات بود. این نظریه از دو ستون اصلی تشکیل شده است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران توجه ویژه‌ای به اصل انسجام اسلامی شده است. به‌عنوان مثال اصل قانون اساسی به اتحاد ملل اسلامی و وحدت جهان اسلام، اصل ۱۵۲ قانون اساسی به دفاع از حقوق همه مسلمانان جهان اسلام، اصل ۳ به تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان جهان اشاره می‌کند. به‌طوری که بسیاری از اصول حاکم بر سیاست خارجی کشور در برقراری روابط با سایر کشورهای تحت‌الشعاع این اصل قرار داشته و اکثر اهدافی را که در کشور حول انسجام اسلامی طراحی شد ریشه در فلسفه جهان‌شمول اسلامی به‌عنوان روح قوانین جمهوری اسلامی ایران داشته است. دنیای اسلام یک واحد یکپارچه نیست و مشکلات و موانع اقتصادی، امنیتی، نوع نظام سیاسی و تفاسیر متفاوت از برخی مفاهیم اسلامی به‌علاوه مقدرات جمهوری اسلامی در راستای انسجام اسلامی از جمله عواملی هستند که تحقق انسجام اسلامی را با مشکلات عدیده مواجه می‌سازند. ظرفیت‌های قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اتحاد و همبستگی ملی عبارتند از: مشارکت و دخالت در سرنوشت، حقوق و تکالیف مشترک شهروندی، توزیع مشترک و عادلانه. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تا حد قابل قبولی با الگوی مطلوب مشارکت افراد و دخالت در سرنوشتشان، انطباق یافته است. برای تعمیق این کارکرد باید محتوای اصول قانون اساسی در حد کافی برای اعضای جامعه روشن شود تا درک و فهم مشترک به‌صورت دقیق‌تر و واقعی‌تر ایجاد شود در چنین حالتی، پایه اصلی اتحاد در یک جامعه مردم‌سالار شکل می‌گیرد. در کنار این مبنای اساسی، حوزه‌های متعددی در قانون اساسی مطرح گردیده که توجه، پردازش و پرورش آنها می‌تواند ارزش همبستگی و اتحاد را حفظ و تقویت نماید.

مدیریت سیاسی - اجتماعی در صورت تمایل به ارتقای اتحاد و همبستگی ملی باید ظرفیت‌های مشارکت در قانون اساسی را در جهت فعلیت هر چه سریع‌تر آنها مدیریت نماید. حوزه‌ها و سطوح مشارکت در قانون اساسی بسیار گسترده و متنوع است. همچنین می‌توان نقطه مرکزی همبستگی و اتحاد ملی را هویت ملی شفاف و قابل فهم و مقبول برای اعضای یک ملت تلقی نمود. با توجه به اینکه ظرفیت قانون اساسی در بخش هویت ملی، کاملاً وسیع و بالا است. اما به‌نظر می‌رسد فاصله

آن با فعلیت به‌ویژه در برخی از بخش‌ها مانند قومیت و مذهب، مطلوب نیست. هنگام تزاخم یا تعارض میان منافع امت و ملت، علی‌القاعده تردیدی در تقدم منافع امت وجود نخواهد داشت، چرا که اساساً تفاوت نظام اسلامی با نظام غیر اسلامی در همین امر آشکار می‌شود.

#### فهرست منابع

- قرآن کریم.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- ارجینی، حسین، (۱۳۸۲)، "دارالاسلام؛ محدوده جغرافیایی جهان اسلام"، نشریه معرفت، شماره ۶۸ مرداد
- امیرانتخابی، شهرود، (۱۳۸۶)، "تحلیل نقش رسانه‌ها در اتحاد ملی و انسجام اسلامی"، مجموعه مقالات همایش ملی راهبردها و سیاست‌ها، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک، چاپ دوم.
- امیری، رضا، (۱۳۸۶)، مبانی و بسترهای وحدت ملی، مجموعه مقالات همایش ملی راهبردها و سیاست‌ها، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک، چاپ دوم.
- اسعدی، علی، (۱۳۹۳)، موانع اتحاد و انسجام (دانشنامه موضوعی قرآن)، نشر مرکز فرهنگ و معارف قرآن، پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن
- جعفری، سید ابراهیم و کریمی، صدیقه، (۱۳۸۷)، تحقق وحدت و انسجام اسلامی در پرتو برنامه‌های درسی مدارس، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال هفتم، شماره پانزدهم
- حلی، حسن بن یوسف، (۱۳۷۳)، تذکره الفقهاء، قم، موسسه آل‌البیت علیهم‌السلام لاحیاء التراث، ج ۲.
- خمینی، سید روح‌الله، صحیفه نور، جلد دوازدهم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۷۷)، لغت‌نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران.
- دوورژه، موریس، (۱۳۶۹)، جامعه‌شناسی سیاسی، ترجمه: قاضی، ابوالفضل، تهران، دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- ره‌پیک، سیامک، (۱۳۸۶)، "ظرفیت‌های قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اتحاد و همبستگی ملی"، مجموعه مقالات همایش ملی راهبردها و سیاست‌ها، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک، چاپ دوم.
- زمانیان، علی، (۱۳۸۶)، "انسجام: ضرورتی اجتناب‌ناپذیر"، مجموعه مقالات همایش ملی راهبردها و سیاست‌ها، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک، چاپ دوم.
- صالحی امیری، رضا، (۱۳۸۶)، "مبانی و بسترهای وحدت ملی"، مجموعه مقالات همایش ملی راهبردها و سیاست‌ها، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک، چاپ دوم.
- صالحی امیری، رضا، (۱۳۸۷)، مدیریت انسجام ملی؛ تجربه دیگر کشورها، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، پژوهشنامه شماره ۱۷

مقاله ۶ بررسی نظریه اتحاد ملی و انسجام اسلامی با نگاهی به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران □ ۱۲۵

- فراتی، عبدالوهاب، طرح یک نظریه اسلامی در روابط بین الملل، پایگاه اطلاعاتی راسخون، قابل دسترسی در آدرس اینترنتی: <http://rasekhoon.net/article/print-2232.aspx>، نگارش براساس کتاب فراتی، عبدالوهاب، (۱۳۹۴)، رهیافتی بر علم و سیاست و جنبش‌های اسلامی معاصر، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص)
- لاریجانی، محمدجواد، (۱۳۶۹)، مقولاتی در استراتژی ملی، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی.
- محمدبن مکی العاملی (الشهید الاول)، (۱۴۱۲)، الدرس الشریعه، قم، جامعه مدرسین.
- مصباح یزدی، محمدتقی، (پائیز ۱۳۷۵)، "ولی فقیه خارج از مرزها"، فصلنامه حکومت اسلامی، سال اول، شماره اول.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۷۷) مجموعه آثار، قم، نشر صدرا، ج ۲۴.
- موسوی خمینی، روح الله، (۱۳۶۵) صحیفه نور، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ج ۱۲.
- میرشاه جعفری، سید ابراهیم و کریمی، صدیقه، (زمستان ۱۳۸۷) تحقق وحدت و انسجام اسلامی در پرتو برنامه‌های درسی مدارس، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال هفتم، شماره پانزده
- معین، محمد، (۱۳۶۴)، فرهنگ فارسی دکتر محمد معین، تهران، امیرکبیر.
- نقوی، علی محمد، (۱۳۸۵) اسلام و ملی‌گرایی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- نیک پناه، منصور، (۱۳۹۳) آسیب شناسی وحدت و انسجام اسلامی، همایش منطقه‌ای اتحاد و انسجام در آموزه‌های قرآنی، دانشگاه آزاد آستارا.
- نامشخص، (۱۳۸۶) اتحاد ملی، انسجام اسلامی و چهار سؤال، پایگاه اطلاع رسانی حوزه، قابل دسترسی در آدرس اینترنتی: <https://goo.gl/gBsKfc>
- وصیت نامه امام خمینی (ره) قابل دسترسی در پایگاه دفتر حفظ و نشر آثار ایت الله خامنه‌ای: <http://farsi.khamenei.ir/imam-content?id=9447>
- هاشمی، محمد، (۱۳۷۹)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، نشر دادگستر، جلد دوم